

تنها استخر شهر گلیایگان از ۴سال قبل تعطیل است شهر گلیایگان تنها یک استخر سروپوشیده دارد که آن هم از ۴سال قبل تعطیل است، هر مسئولی در این چند سال آمده برای بازگشایی استخر وعده داده، ولی هیچ کدام عملی نشده و اکنون سال هاست مردم از کمبود مکان های ورزشی این شهر بهخصوص استخر رنج می‌برند و برای آبدرمانی و تفریحات آبی به شهرهای همجوار می‌روند.

خوب‌بخت از گلیایگان
سرویس‌های بهداشتی بین‌راهی بدون نظارت به حال خود رها شده‌اند

یکی از مضضاتی که مسافران خصوصا سالمندان، کودکان و بیماران با آن مواجهند، نبود سرویس بهداشتی در مسیرهای جاده‌ای است؛ آن تعدادی هم که دایر است یا کثیف است یا امکانات کافی ندارد، چگونه است که این همه رستوران و مراکز اقامتی با قیمت‌های گزاف در مسیرهای مختلف تعبیه شده، اما به سرویس بهداشتی آنها توجه نمی‌شود و نظافت و بهداشت آنها به‌درستی انجام نمی‌شود که این مسئله برای سلامت عمومی خطرناک است. **کیانی از تهران**

روان بودن فاضلاب خانگی در محله دیگاله ارومیه در محله دیگاله واقع در پشت مسجد خاتم‌الانبیاء در شهر ارومیه فاضلاب‌های خانگی در کوی و خیابان روان هستند، در کوی ۲۴ دیگاله که هیچ جدول بندی و مسیر تعیین شده‌ای برای فاضلاب نیست این آب‌های آلوده چهره زشتی به محله داده و باعث ایجاد بوی تعفن و گسترش بیماری‌های عفونی شده‌اند، مشکل پادشده با چنده متر جدول کنی حل می‌شود، اما به‌رغم پیگیری مکرر اهالی از طریق سازمانه ۱۱۱ در شهر ارومیه و حتی اعزام کارشناس از سوی شهرداری برای بررسی میدانی وضعیت یادشده هنوز هیچ اقدامی صورت نگرفته است. **اسمعلی از ارومیه**

پیامک
از اسل پیام کوتاه خوانندگان: ۰۲۱۳۳۰۲۳۹۱۶

تقاضای پر داخت اضافه بعدد از اعلام قیمت قطعی خودرو غیر قانونی است سال گذشته برای خرید یک دستگاه شاهین در طرح پیش فروش ۱۱۳ تان با موعه ارسال دوتومه هفته آخر اسفند، ثبت‌نام کردم. هنگام ثبت‌نام نصف مبلغ خودرو به مبلغ ۱۷۲ میلیون تومان را پرداخته‌ام و اسفند ۱۴۰۱ نیز با پرداخت ۱۸۱ میلیون تومان تکمیل وجه کردم، در حالی که منتظر اعلام پیام تحویل خودرو بودم تقاضای ۱۰ میلیون وجه مجدد کردند که دلیل درخواست ۱۰ میلیون اضافه معلوم نیست. تا لظله از رسال پیام هم هیچ خبری از فاکتور شدن خودرو نیست بعد از پیگیری‌های بسیار، نمایندگی گفت باید منتظر پیامک الحاقیه باشید و ظاهرا تقاضای ۱۵ میلیون دیگر وجه نقد دارند. این چه مدل فروشی است؟ آیا سازمان‌های نظارتی و حامی حقوق خریدار و مصرف کننده نباید به این موضوع ورود کنند؟

خانزادی از تهران
تأمین اقساط طرح نهضت ملی مسکن برای اغلب مردم سخت است

جوان ۳۰ساله‌ای هستم که ۳سال پیش در طرح مسکن ملی شهرستان خواف در استان خراسان رضوی شرکت کردم. بعد اسال پیمانکار، قراردادی بین ۸هزارمترمقاضی که اکثر از طبقه کارگر بودند، نوشت که براساس آن باید ۱۰ میلیون تومان یکجا به‌رازیم وباقی وجه در قسط تکمیل شود.اصلا فکر می‌کنند که چطور باید این ارقام تامین شود؟ اگر پرداخت این ارقام برایمان ساده بود که اساحتیانه بودیم و اصلا در این طرح ثبت‌نام نمی کردیم.

بای سلامی از خواف
داروهای کودکان مشمول پوشش‌های بیمه‌ای بیشتری شود نوزاد دخترم را در آماهگی برای مورد اضطراری به مرکز طبیی کودکان مفید بردم، اما هزینه دارو نسبت به قبل باور کردنی نبود، واقعا تکلیف ما چیست و چرا داروهای کودکان مشمول پوشش‌های بیمه‌ای بیشتر نمی‌شود؟

شعبانی از تهران
یادداشت

سفر به سوریه؛ اثبات همگرایی میدان و دیپلماسی
ادامه از صفحه اول
این فرصت استثنایی نیز در سال‌های گذشته کمتر مورد توجه و به‌عنوان پله‌ای برای توسعه همکاری‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در حالی که کشورهایی مانند آمریکا با سرمایه‌گذاری‌های سنگین و اجرای انواع برنامه‌های حمایت اجتماعی در کشورهای هدف خود به‌دنبال جلب عواطف مردمی و ارائه تصویر منجی از خود برای تسلط بر منابع ملت‌ها هستند، طبعاً ما نباید در فضای واقعی که نه حاصل شگردهای مالی و تبلیغاتی، بلکه حاصل ارتباطات مستمر و چند دهه همکاری در روزهای سخت و تنهایی است، از فرصت و ظرفیت ارتباط مردمی غفلت کنیم. حضور رئیس‌جمهور در مسجد جامع اموی دمشق و اقامه نماز، موجب اظهارات برخی کاربران در فضای مجازی شد که ادعاهای افرادی را که در ۱۲سال اخیر به‌دنبال سرنگونی نظام سوریه بودند و وعده حضورشان را در این مسجد می‌دادند، یادآوری کند. تجربه جنگ سوریه و اجتماع تقریباً بین‌المللی علیه آن و در مقابل ایستادگی بشاراسد با پشتوانه مردم و جبهه مقاومت، یک پیام بسیار مهم داشت که ایده و اراده مقاومت توان «غلبه» دارد. این پیام آن قدر راهبردی و پیشروست که به‌خش می‌هی از معادلات جهان را جابه‌جا می‌کند. ارج و ارزش سوریه‌ای که امروز با ایده مقاومت پیروز از مصر که بیرون آمده است، به‌مراتب بیش از سوریه قبل از ۲۰۱۱ است؛ همچنان که ما نیز در جمهوری اسلامی یک‌دین کشورها در فضای سیال کنونی و رسیدن به تعادل و نظم‌های جدید منطقه‌ای و جهانی است.

حوادث

زن سارق، طلاهای مسروقه را به دوستی فروخت که از قضا فامیل آخرین طعمه‌اش بود

سرفت‌های یک زن برای آزادی شوهرش



القه راهانی
روزنامه‌نگار

زنی جوان که پس از ورشکستگی شوهرش، برای رهایی او از زندان دست به سرقت می‌زد در یک ماجرای عجیب دستگیر شد. او طلاهای آخرین طعمه‌اش را به زنی فروخت که از اقوام مالباخته بود. به گزارش همشهری، تحقیقات پلیس آگاهی تهران برای دستگیری این زن از اوایل پاییز سال گذشته شروع شد. در آن زمان زنی به اداره پلیس رفت و گفت که سارقی مادرش را تا پرتگاه مرگ برده و طلاهای او را دزدیده است. وی توضیح داد:به‌دلیل اینکه سن مادرم بالا رفته و نیاز به مراقبت و نگهداری دارد، زنی را استخدام کردم که از او مراقبت کند. این زن در یکی از سایت‌ها برای نگهداری از سالخورده‌ها آگهی داده بود و از این طریق با او آشنا شدم. وی نرم نام داشت و می گفت که سال هاست سابقه نگهداری از سالمندان را داشت و به خوبی می‌تواند از مادرم مراقبت کند و کارهایش را انجام دهد. این زن ۳۰روز در هفته به خانه مادرم می‌رفت و کارهایش را انجام می‌داد اما در هفته دوم اتفاق هولناکی افتاد. مریم با داروهای خواب آور، مادرم را بیهوش کرده و تمام طلا و جواهراتش را به سرقت برده بود. او حتی انگوهایی را که در دستان مادرم بود قیچی کرده و با خود برده بود. شاکای ادامه داد: من زمانی متوجه ماجرا کردم که مادرم جواب تماس و پیام هایم را نداد و برای همین به خانه‌اش رفتم. او از هوش رفته و داخل خانه روی زمین افتاده و اثاثیه خانه به هم ریخته بود. مادرم به‌دلیل مسمومیت تا چند روز در کما بود اما خوشبختانه به زندگی برگشت. پس از آن وقتی مطمئن شدم که سرقت کار همان زنی بوده که برای مراقبت از مادرم استخدام شده بود، تصمیم گرفتم از وی شکایت کنم. مریم علاوه بر طلاها، مواد خوراکی و لباس های گران قیمت مادرم به همراه وسایل آنتیکی را که در خانه‌اش داشت گرد زده است.

با ثبت نخستین شکایت، تیمی از مأموران زیر نظر قاضی منافی، باز پرس شعبه ششم دادرسی ویژه سرقت تهران تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سارق را شروع کرد. هنوز ردی از متهم به‌دست نیامده بود که چند شکایت مشابه دیگر هم پیش روی تیم تحقیق قرار گرفت. شکایت‌ها نشان می‌داد مریم به‌صورت سریالی نقشه‌های مجرمانه خود را اجرا می‌کند. او در یکی از سایت‌ها آگهی نگهداری از سالمندان را می‌داد و هفته‌ای ۳ یا ۴روز به خانه طعمه‌هایش می‌رفت تا فرصت مناسب برای اجرای نقشه‌اش را پیدا کند. بعد آنها را بیهوش کرده و اموال قیمتی مانند پول، طلا، دلار، سکه و لوازم باارزش داخل خانه را به همراه مواد خوراکی سرقت می‌کرد. بیشتر طعمه‌های این زن، برای چند روز به کما رفته و با خطر مرگ روبه‌رو شده بودند. همه آنها می‌گفتند که بعد از خوردن آبمیوه یا چای و یا غذایی که مریم برایشان تهیه کرده بود، از هوش رفته بودند.

فروش طلا به دوست

مریم نام مستعار سارق سریالی بود؛ او فکر همه جا را کرده بود تا ردی از خودش به جا نگذارد. به مالباخته‌ها مدارک و سفقه‌های جعلی می‌داد و دست آنها برای شناسایی زن سارق به جایی بند نبود. از طرفی کار پلیس هم برای شناسایی این سارق که سابقه کفیری نداشت و هویتش مشخص نبود، دشوار بود. با این حال اقدامات ویژه برای گیر انداختن وی ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل اتفاقی عجیبی رخ داد. مریم بخشی طلاهایی را که از آخرین طعمه‌اش دزیده بوده به یکی از دوستانش فروخت. دوست او اما از اقوام مالباخته بود و مریم از این ماجرا خبر نداشت. دوست وی دستبندی را که از سارق خریده بود دستش بست و راهی مهمانی فامیلی شد. از قضا مالباخته و دخترانش نیز در همان مهمانی حضور داشتند و با دیدن دستبند طلا شوکه شدند. آنها با پرس و جوا از این زن به سارق تحت تعقیب رسیدند. همین کافی بود تا پلیس را در جریان قرار دهند و سارق تحت تعقیب را به سه دام اندازند. مریم که در یک خانه اجاره‌ای در جنوب تهران زندگی می‌کرد، هفته گذشته در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد و وقتی شواهد را علیه خودش دید، ناچار شد حقایق را بازگو و به سرقت‌های سریالی از زنان سالخورده اعتراف کند. وی برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران آگاهی تهران قرار گرفته است.

این مرد با به خطر انداختن جانش ۶نفر را از سیل نجات داد

دهیار فداکار روستا

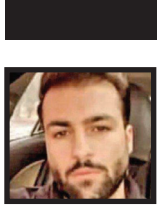


سبیلی که چند روز پیش در شهرستان مراوه‌تپه استان گلستان جاری شد، در روستای عرب‌قره حاجی می‌رفت تا حادثه هولناکی را رقم بزند اما فداکاری دهیار روستا مانع از وقوع یک فاجعه شد. سیل، خودروی مسافر کشی را به محاصره خود درآورده و هر لحظه جان هر عسر نشین آن را تهدید می‌کرد تا اینکه ابتکار دهیار روستا و کمک جوانان روستا، پایان شیرینی را برای این حادثه رقم زد. به گزارش همشهری، ۱۲ اردیبهشت‌ماه بود که بارش شدید باران در استان گلستان، باعث جاری شدن سیل در شهرستان مراوه‌تپه شد. هر چند پیش از آن، از طریق هواشناسی هشدارهای لازم به ساکنان مناطق داده شده بود اما ظاهراً راننده یک خودروی مسافر کش که یک مرد، ۲ زن و ۲ دختر بچه خردسال مسافران‌ش بودند، از این هشدارها خبر نداشتند و به همین دلیل وقتی از شهرستان کلاله به سمت مراوه‌تپه در حرکت بود در سیل گرفتار شد.

شدت سیل به حدی بود که در چشم بر هم زدنی، خودروی پراید را از مسیر منحرف و به جریان آب انداخت.

هر لحظه بر شدت سیل افزوده می‌شد تا اینکه خودروی مورد نظر پس از طی مسیری، متوقف شد و این بهترین زمان برای خروج سرنشینان بود. آنها اما توان عبور از سیل را نداشتند و به همین دلیل خودشان را به سقف ماشین رساندند و با فریاد درخواست کمک کردند؛ درخواستی

مرخصی تلخ ۴سرباز



اندیمشک برساند و با موافقت آنها سربازان سوار بر خودروی سمند به‌سوی اندیمشک به راه افتادند. چند ساعت از شروع مسیر گذشته بود که در میانه راه خودروی آنها از مسیر اصلی منحرف و واژگون شد. شدت این حادثه به حدی بود که خودرو دچار آتش‌سوزی شد و هر ش‌سرنشین خودرو جان خود را از دست دادند. از سوی دیگر پلیس راهور علت وقوع این حادثه را بی‌توجهی به جلو و خستگی و خواب آلودگی راننده اعلام کرد. شواهد به‌دست‌آمده از سوی کارشناسان پلیس در محل وقوع حادثه نشان می‌دهد که این خودرو ابتدا با گاز دریل بر‌خورد کرده بر اثر شدت حادثه واژگون و دچار آتش‌سوزی شده و این حادثه تلخ رقم خورده است.



برای نجات شوهرم!

زن سارق سابقه کفیری ندارد؛ وی از پاییز سال گذشته به‌ادر دنیای مجرمان گذاشته تا به‌گفته خودش بول طلبکاران شوهرش را تهیه کند و او را از زندان نجات دهد. گفت‌وگو با این زن را بخوانید.

جرم شوهرت چه بود؟

در بازار کار می‌کرد. تسوی کار پارچه‌بودا اما بیکاره ورشکست شد. شریکش سر او را کلاه گذاشت و فرار کرد. شوهرم که حسابی در کارش پیشرفت کرده بود ورشکسته شد با کلی بدهی. بعد سیل طلبکاران بود که هر روز به مقابل خانه ما می‌آمدند و پولشان را می‌خواستند.

شوهرت دستگیر شد؟

جنایت می‌کشم بگویم! اما شوهر هم تبدیل شد به سارق زورگیر!

چرا؟

برای تهیه پول طلبکارانش. شوهرم سکنه کرد و افتاد بیمارستان. من هم خیلی ناراحت‌و‌ضغیتمش بودم. به‌هر دوست و آشنا رو انداختم تا پول قرض بگیرم اما خب رقم بالا‌بی بود. این اتفاقات دشوار موجب شد تا شوهرم برای تهیه پول، جذب یک باند سرقت و زورگیری شود. هر چند بخشی از بدهی‌هایش را با پول دزدی پرداخت کرد اما پلیس دستگیرش کرد و زندانی شد.

تو که عاقبت شوهرت را دیدی، چرا خودت به این راه افتادی؟

اشتباه پشت اشتباه؛ سختی پشت سختی. انگار تمام‌شدنی نبود. چاره‌ای نداشتم. برای نجات شوهرم از زندان و پرداخت پول طلبکارانش، من هم تبدیل به یک دزد شده اما خیلی اشتباه کرده‌م.

ایده سرقت‌ها چطور به ذهنت رسید؟

یک روز که خیلی حالم بد بود رفته بودم خانه یکی از اقوام. آن روز متوجه شدم که مادرش بیمار است و برای نگهداری از او یک زن را استخدام کرده بودند. از آن زن باروش بیهوشی، طلا و جواهرات مادر دوستم را دزدیده بود. همان روز رنده سرقت با این شگرد به ذهنم خطور کرد. ۴۸ساعت تمام نتوانیدم تا نقشه را طوری بکشم که گیر نیفتم اما در نهایت گیر افتادم.

می‌دانی چطور گیر افتادی؟

من بعد از هر سرقت، طلاها را به طلافروش می‌فروختم اما در آخرین سرقت، هیچ‌کس از من طلاها را نخرید. یک روز در باشگاه ورزشی با دختری دوست شدم و از او پرسیدم آشناسی طلافروش نداره؟ او گفت خودش حاضر است طلاهایم را بخره. او طلاها را برای سرمایه‌گذاری از من خرید اما ظاهراً او یکی از دشمنان دور آشنای طعمه‌ها بود و همین باعث شد که لو بروم.



سیل سقوط کنند. تنها راه نجاتشان کمک گرفتن از بالگرد بود؛ برای همین ماجرا را به هلال احمر گزارش کردیم. اما از دست دادن زمان ممکن بود به قیمت جان حادثه‌دیدگان تمام شود؛ در حالی که تا حدودی از شدت سیل کاسته شده بود، از خودروی آتش‌نشانی طنابی گرفتیم و با کمک چند نفر از جوانان روستا به کمک سرنشینان پراید رفتیم. با همان طناب توانستیم خودمان را به آنها برسانیم و هر عفرشان را که حسابی ترسیده بودند، نجات داده و با انتقال به خانه یکی از روستاییان برایشان لباس گرم تهیه کردیم. پس از آن نیز پزشک روستا را نزد آنها بردم که خوشبختانه حال عمومی‌شان خوب بود. به‌دنبال فداکاری دهیار جوان، مسئولان استانی در تماس با وی از او قدردانی کردند.

ملاقات اتفاقی زورگیر و مالباخته در کلانتری

زورگیر خشن که موبایل شهروندان را سرقت می‌کرد ساعتی پس از آخرین زورگیری اش دستگیر شد. به‌گزارش همشهری، یامداد چهارشنبه مأموران گشت کلانتری ۱۶۷ دولت آباد در جریان عملیات تعقیب و گریز جوان مرمری را که سوار بر یک موتورسیکلت بود و قصد فرار از دست مأموران را داشت، بازداشت کردند. جوان مرمری به کلانتری منتقل شد و در آنجا یکی از شهروندان که ساعتی قبل طعمه زورگیران قرار گرفته و برای شکایت به کلانتری رفته بود، با دیدن این متهم گفت که او و همدستش چند ساعت قبل از او زورگیری کرده اند. در این شرایط بود که متهم دستگیر شده به ۱۱زورگیری در کنار اتوبان آزادگان اعتراف کرد. سرگت حسینی‌لی این یکی، سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان ری، با اعلام جزئیات این پرونده از ادامه تلاش‌ها برای دستگیری سایر اعضای این باند زورگیری خبر داد.

۲مأمور پلیس، فرشتگان نجات ۲کودک

۲مأمور پلیس در جریان حوادثی جدگانه جان ۲کودک را که در یک قدمی مرگ بودند، نجات دادند. به‌گزارش همشهری، نخستین حادثه در میدان انقلاب اشنویه واقع در استان آذربایجان غربی اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که یکی از مأموران پلیس راهور این شهر برای روان‌سازی ترافیک در میدان ایستاده بود که متوجه شد پسر دانش‌آموزی در نهر پر از آب افتاده و در حال دست و پنجه نرم کردن با مرگ است، او با دیدن این صحنه دوان دوان خودش را به نهر آب رساند و پس‌ریچه ۸ساله را که در حال غرق شدن بود از مرگ



نجات داد. سرگت علی توکلی، فرمانده انتظامی شهرستان اشنویه در توضیح این حادثه گفت: این مأمور راهور در ادامه عملیات احیا را بر این دانش‌آموز آغاز کرد و توانست این کودک را از مرگ حتمی نجات دهد و در نهایت کودک به امدادگران اورژانسی تحویل داده شد. به‌گفته فرمانده انتظامی شهرستان اشنویه این اقدام بموقع پلیس موجی از شادی و خوشحالی بین مردم شهر به همراه داشته است.

دومین حادثه در شهرستان بافق واقع در استان یزد رخ داد و مأمور پلیس، دختری ۱۲ساله را که در دریاچه یک پارک سقوط کرده بود نجات داد. این دختر ۱۲ساله اهل رفسنجان همراه با دوستان خود برای بازدید از پارک و دریاچه تفریحی آهن‌شهر به بافق آمده بود اما پس از ورود به پارک، به‌علت بی‌احتیاطی در دریاچه سقوط کرد. لحظاتی بعد از این حادثه ستوان یکم محمدرضا ارجمندی و سرباز وظیفه وحید حکمت که در حال گشت‌زنی در آنجا بودند، داخل دریاچه شیرجه زدند و دختر نوجوان را که در حال غرق شدن بود از مرگ حتمی نجات دادند.

۳حادثه جنایی در آخر هفته پایتخت

در جریان ۳حادثه جدگانه، ۳مرد جانشان را از دست دادند و حالا تحقیقات درباره این حوادث آغاز شده است. به‌گزارش همشهری، عصر پنجشنبه چهاردهم اردیبهشت به قاضی محمد حسین زاری، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که پسرکی جوان در جریان یک درگیری به قتل رسیده است. به‌دستور بازپرس جنایی، تحقیقات درباره این حادثه آغاز و مشخص شد که مقتول به همراه اشفر از دوستانش برای تفریح به پارکی در یکی از محله‌های تهران رفته بودند. در آنجا مقتول و دوستانش، در حال شوخی با هم بودند که همین موجب شد تا درگیری میان آنها شکل بگیرد. در این بین عامل جنایت که از این شوخی عصبانی شده بود، ناگهان دست به چاقو شده و ضربه‌ای به قفسه سینه یکی دیگر زد. به‌دنبال این حادثه، جوان زخمی که ۲۰ساله بود به بیمارستان منتقل شد اما لحظاتی بعد جان خود را از دست داد و عامل قتل نیز متواری شد. به‌دستور بازپرس شعبه اول دادرسی جنایی تهران تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه دارد. دومین حادثه روز چهارشنبه رخ داد.آن روز به قاضی امیرحسین علیمردان خبر رسید که مردی به قتل رسیده است. حادثه در جاده کن و سولقان اتفاق افتاده بود. مقتول در چادر مسافرتی بوده که به‌دلیل نامعلومی چادر به آتش کشیده شده بود. بررسی‌ها نشان داد که قربانی مردی حدوداً ۲۸ساله بوده است. او داخل چادر مسافرتی بوده که چادر آتش گرفته اما دلیل مرگ او آتش‌سوزی نبود، او به‌دلیل ضربه جسم سنگینی که به سرش وارد شده جان باخته بود. این یعنی عامل جنایت پس از قتل، چادر را به آتش کشیده بود. یکی از رهگذران به تیم جنایی گفت: ساعت۴بعدازظهر در حال عبور از جاده‌بومد که چادر مسافرتی را دیدم اما ساعت ۴بعدازظهر در حال برگشت، چادر را در حال سوختن دیدم. تحقیقات برای کشف از این جنایت ادامه دارد. سومین پرونده در دادرسی جنایی تهران تشکیل شد. ماجرا از این قرار بود که مرد میانسال به‌آثار چهارم پلیس آگاهی پایتخت رفت و از ناپدید شدن پسرش خبر داد. با شکایت مرد میانسال تحقیقات برای یافتن جوان گمشده آغاز شد. درحالی‌که تحقیقات در این‌باره ادامه داشت، سه‌شنبه پنجم اردیبهشت جسد جوان گمشده در ارتفاعات شمالی غرب تهران توسط گوهنوردان کشف شد. به‌دستور بازپرس محمدرضا صاحب جمعی، تحقیقات آغاز و این فرضیه مطرح شد که احتمالاً پسر جوان بر اثر سقوط جان خود را از دست داده است. بااین حال بررسی‌ها در این پرونده ادامه دارد.

آزادی گروگان ۱۲ساله

پسری ۱۲ساله که از اسفندماه سال گذشته ربوده شده بود پس از ۴۸روز اسارت در عملیات ضربتی پلیس آزاد شد. به‌گزارش همشهری، ساعت ۱۷:۲۴ روز ۱۲اسفندماه سال گذشته به پلیس زاهدان خبر رسید که پسری ۱۲ساله از مقابل خانه‌شان ربوده شده است. او آرمان نام داشت و مقابل خانه در حال بازی بود که سرنشینان یک دستگاه پژو ۴۰۵ تفره‌ای وی را سوار خودروی‌شان کرده و از آنجا گریختند. کارآگاهان در بررسی‌های فنی خود به اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می‌داد این ربایان با پدر آرمان اختلاف مالی دارند و به همین دلیل پسر بی‌گناه را به گروگان گرفته‌اند. با وجود اینکه هویت آدم ربایان افشا شده بود اما هنوز به‌درستی مشخص نبود که آنها پسر نوجوان را به کجا منتقل کرده‌اند. با گذشت هفته‌ها از این آدم‌ربایی، چند روز قبل مأموران با اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می‌داد پسر ربوده شده در خانه‌ای در زاهدان نگهداری می‌شود. به این ترتیب مأموران در عملیاتی ضربتی ضمن آزادسازی پسر نوجوان عامل اصلی آدم ربایی و ۲همدستش را که از اقوامش هستند دستگیر کردند. به این ترتیب آرمان جلیلیان، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان، عامل اصلی این آدم ربایی در جریان بازجویی‌ها انگیزه‌اش از ربودن این انتخاب کردن کشورها در فضای سیال کنونی و رسیدن به تعادل و نظم‌های جدید منطقه‌ای و جهانی است.